

ارزیابی تأثیرات کشت و پرورش گل محمدی در جامعه روستایی لاله‌زار کرمان

عباس امینی^۱

طیبه زاهدی^۲

چکیده

توسعه اقتصاد روستایی از اهداف مهم در برنامه‌ریزی مناطق روستایی است و شناخت توان‌های بالقوه و بالفعل هر منطقه‌ای ضرورتی تام در این رابطه دارد. پرورش گل محمدی به‌عنوان یکی از زیربخش‌های کشاورزی نقش مهمی در ایجاد اشتغال و درآمدزایی در جامعه روستایی لاله‌زار استان کرمان داشته و امرار معاش بسیاری از روستاییان این منطقه وابسته به آن می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش این فعالیت در توسعه اقتصادی روستاهای این منطقه صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع توصیفی و پیمایشی بوده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق عملیات میدانی صورت گرفته است. جامعه آماری را خانوارهای روستایی دهستان تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. سنجش پایایی پرسشنامه از طریق مطالعه مقدماتی و آزمون آلفای کرونباخ صورت گرفت. نتایج نشان داد پرورش گل فعالیت با مزیت اقتصادی در منطقه است که توانسته با جلب مشارکت بالای زنان روستایی، علاوه بر ارتقاء منزلت اجتماعی و اقتصادی، توان بالقوه آنان را در تأمین بخشی از درآمد و تقویت اقتصاد خانوار به فعلیت برساند. همچنین با توجه به ارگانیک بودن پرورش و تولید این محصول، توانسته است فرهنگ پایداری را به سیستم کشاورزی منطقه وارد کند و اثرات محیطی و اقتصادی مثبتی را بر جا بگذارد. ایجاد زمینه‌های مناسب برای اشتغال و درآمد از طریق فعالیت‌های جانبی و تقویت انگیزه ماندگاری جمعیت در روستاها، از جمله اثرات دیگر این فعالیت در منطقه بوده است. دورنمای تداوم و گسترش این فعالیت در آینده نیز با توجه به ویژگی‌های منطقه امیدبخش به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصاد روستایی، گل محمدی، دهستان لاله‌زار.

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی - دانشگاه اصفهان.

Email:a.amini@geo.ui.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی - دانشگاه اصفهان.

مقدمه

از دیرباز صاحب‌نظران علم اقتصاد توجه خاصی به بخش کشاورزی در فرآیند توسعه داشته‌اند. رشد سریع صنعت و صنعتی‌شدن در کشورهای پیشرفته موجب شد که بعضی از اقتصاددانان توسعه در کشورهای جهان سوم به بخش کشاورزی با نظری کم‌بینانه بنگرند و کشاورزی را ناتوان در توسعه اقتصادی مملکت بیان‌کنند و ارزش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن را کم برآورد نمایند. غافل از این‌که توسعه کشاورزی در برنامه‌های توسعه هر کشوری امری ضروری است و پیشرفت و توسعه اقتصادی در هر جامعه‌ای به استراتژی‌هایی برای تقویت توأمان صنعت و کشاورزی نیازمند است. به این ترتیب لازم و ملزوم دانستن توسعه کشاورزی و صنعت باید یکی از اصول اجتناب‌ناپذیر توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم به حساب آید (کامران، ۱۳۷۴: ۷۸). اگرچه با اتکای یک‌جانبه بر سیاست توسعه کشاورزی در راستای توسعه روستایی، مناطق روستایی و خانوارها فرصت‌های کمی برای افزایش پایدار در درآمدهای خود پیدا می‌کنند (Berdegue et al., 2001: 412) و شکل‌گیری ساختار روستا و اتکای نامتنوع اقتصادهای روستایی به کشاورزی به شکل سنتی چالش‌هایی را در ابعاد مختلف برای زندگی‌های روستایی ایجاد نموده است (جوان و دیگران، ۱۳۹۰)، اما همچنان وجود یک بخش کشاورزی پیشرو و نیرومند از ضروریات توسعه اقتصادی است و به دلیل دارا بودن پتانسیل‌های بالا، به باور بسیاری از اقتصاددانان می‌تواند نقش ارزنده‌ای در توسعه اقتصادی کشورها دارا باشد (صامتی و فرامرزیور، ۱۳۸۳: ۹۲).

به‌طور کلی نیز اگرچه موجودیت و بقای جوامع روستایی در گرو شکوفایی و پایداری تمامی مولفه‌ها و سازوکارهای توسعه‌ای آن است، در این میان اقتصاد روستایی به عنوان یکی از وجوه اساسی موجودیت روستا، از دیرباز با کشاورزی و فعالیت‌های زراعی عجین بوده است. این اتکا و درهم‌تنیدگی روستا و اقتصاد روستایی با کشاورزی، گرچه در دهه‌های اخیر و با تغییر در پارادایم توسعه در جهان جدید پس از جنگ جهانی دستخوش تحولات اساسی و مهمی شده است، لیکن همچنان از قوام و استحکام خود به‌ویژه در کشورهای در

حال توسعه برخوردار است (نوری و امینی فسخودی، ۱۳۸۶: ۲۶۳) و در همین راستا بانک جهانی نیز رشد بخش کشاورزی را برای فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه ضروری می‌داند. اقتصاد روستایی ایران به دلایل مختلف نظیر تأمین مواد غذایی، صادرات محصولات مازاد و ایجاد فرصت‌های اشتغال، سهم مهمی در ایجاد ارزش افزوده و تشکیل تولید ناخالص داخلی کشور برعهده دارد. از طرفی، کارکردهای اقتصادی موجود در این بخش به لحاظ تأثیرگذاری بر اقتصاد ملی با مشکلات و چالش‌های زیادی روبروست که سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی انجام شده در طی چند دهه گذشته کمتر توانسته است در رفع توسعه‌نیافتگی اقتصادی روستاها نقش داشته باشد به طوری که گسترش مهاجرت روستاییان به شهرها به دلیل نبود فرصت‌های اشتغال و درآمد از جمله چالش‌های مناطق روستایی است. روشن است که توسعه اقتصاد روستایی و هرگونه برنامه‌ریزی برای آن نیازمند مطالعه و بررسی، در نظر داشتن و توجه به پتانسیل‌ها و توانمندی‌های خاص بالقوه و بالفعل هر ناحیه روستایی است (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲). عدم آگاهی از وجود امکانات طبیعی و خدادادی هر منطقه، علاوه بر ناممکن ساختن امکان برنامه‌ریزی و پیش‌بینی جهت توسعه، هر اقدام اجرایی را نیز با هدررفت منابع مواجه خواهد ساخت.

پرورش گل محمدی^۳ به عنوان یکی از فعالیت‌های بخش متنوع کشاورزی، نقش مهمی را در ایجاد اشتغال و درآمدزایی و توسعه اقتصاد روستایی در مناطقی از کشور که دارای استعداد و پتانسیل لازم برای این فعالیت می‌باشند داراست، اما با این وجود، کمتر در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی روستاها به آن توجه شده است. استان کرمان با دارا بودن ۱۱ درصد مساحت کل کشور دارای ظرفیت بالفعل ۷۶۰ هزار هکتاری باغ و زراعت (حدود ۲۲٪ از مساحت کل باغات کشور و مقام اول باغبانی کشور) و ظرفیت بالقوه ۴۰۰ هزار هکتاری در صورت تأمین منابع آبی می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان، ۱۳۸۷). از میان محصولات عمده این استان، پرورش گل محمدی به دلیل سازگاری، قناعت،

کم‌هزینه بودن و سودآوری چشمگیر آن از اهمیت ویژه‌ای در عرصه کشاورزی برخوردار می‌باشد. پرورش گل محمدی در لاله‌زار کرمان، علاوه بر آنکه فعالیت اقتصادی قابل توجهی محسوب می‌شود و از بیش از ۲۵۰۰ هکتار زمین زیرکشت گل این منطقه سالانه ۴۵۰۰ تن گل و از هر ۳ تن گل یک تن گلاب مرغوب دوآتشه و از هر هشت تن گلاب نیز یک لیتر اسانس تولید می‌شود (zahrarosewater.com)، پیشینه‌ای فرهنگی نیز دارد و می‌توان آن را نمونه‌ای از احیای اقتصاد روستایی بر مبنای فرهنگ به حساب آورد. علاوه بر آن که اراضی زیرکشت گل این منطقه در گذشته‌ها به محصولات دیگری اختصاص داشته، در حال حاضر نیز گلاب لاله‌زار به واسطه فعالیت کارخانه گلاب زهرا^۲ در کنار مزارع گل این منطقه، تنها محصول ارگانیک گل محمدی کشور است. این کارخانه اولین واحد تولیدی است که با رعایت اصول کشاورزی مبتنی بر طبیعت (کشاورزی ارگانیک) توانسته است در سال ۱۳۷۸ به‌عنوان نخستین واحد فرآوری گل محمدی کشور، گواهینامه ارگانیک در تولید گلاب و روغن گل از انجمن خاک انگلستان، که از معتبرترین نهادهای بین‌المللی در زمینه کشاورزی ارگانیک می‌باشد، دریافت نماید. این واحد تولیدی از ابتدا بر مبنای پایداری و ارگانیک بودن شکل گرفته و هنوز محصول گل کشاورزان را به شرط ارگانیک بودن خریداری می‌کند و تا زمان برداشت محصول نیز خاک مزارع گل چندین بار توسط کارشناسان شرکت آزمایش می‌شود (همان). علاوه بر ارگانیک بودن، از آنجاییکه کشت و برداشت گل در این منطقه در هر سطحی قابل اجراء است، توانسته است همه اقشار روستایی را درگیر نموده و به این ترتیب اثرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی ماندگاری در جامعه روستایی منطقه داشته باشد. با وجود چنین پتانسیل و زمینه مطلوبی، مشکلاتی از قبیل کم‌توجهی به این فعالیت و حضور و گسترش فعالیت واسطه‌ها در سال‌های اخیر، تهدیدهایی را برای تداوم پایدار پرورش گل و بهبود اقتصاد روستایی منطقه لاله‌زار بوجود آورده است. بر

۲- گلاب زهرا کارخانه تولید گلاب و روغن گل است که در کرمان توسط همایون صنعتی‌زاده و همسرش شهین‌دخت سرلئی (صنعتی‌زاده) در سال ۱۳۵۸ تأسیس شده است.

این اساس پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی و محیطی کشت و پرورش گل محمدی در دهستان لاله‌زار کرمان پرداخته است.

مبانی نظری

متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه اگرچه از دیرباز مطرح بوده اما در عرصه نظریات توسعه روستایی امری نوین در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود، در حالی که تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی لازمه جامع‌نگری در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی است (امینی، ۱۳۹۲: ۱۳۹). خوزه دو کاسترو معتقد است که تک‌کشتی و عدم تعادل تولید منطقه‌ای باعث قحطی می‌شود و راه‌حل آن را در تنوع کشت و گوناگونی فعالیت‌های اقتصادی می‌داند (دوکاسترو، ۱۳۵۸: ۱۶۰). پل باران، با انتقاد از وضعیت اقتصادی کشورهای تک‌محصولی، فراهم ساختن زمینه نجات کشورهای در حال توسعه سوسیالیستی را در تنوع فعالیت‌های اقتصادی می‌داند (باران، ۱۳۵۹: ۴۴۸). از آنجایی که در ساختار اقتصادی نواحی روستایی کشورهای مختلف، کشاورزی محور اساسی تأمین معیشت بوده، در اغلب برنامه‌های توسعه نیز کشاورزی مهم‌ترین و تنها رکن اقتصادی روستاها را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی چنین ساختاری نیز فقدان تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت‌های شغلی خصوصاً برای نیروی انسانی رو به افزایش روستایی می‌باشد که تا حدودی نشأت گرفته از نوع نگرش به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی و عوامل درونی تأثیرگذار در محیط‌های روستایی است. چنین ساختار اقتصادی و شغلی در نواحی روستایی مسائل خاصی را به دنبال داشته که از جمله آن‌ها می‌توان به انعطاف‌پذیری پایین در برابر نوسانات کوتاه‌مدت آب‌وهوایی، قیمت محصول در زمان برداشت، محدودیت‌های بازاریابی و بازررسانی محصول، وابستگی بهره‌برداران به محیط خارج از روستا و بازارهای خارجی، وجود بیکاری آشکار و پنهان، کاهش بازده سرمایه، تخریب منابع پایه محیطی، آسیب‌پذیری اقتصاد روستایی و بی‌ثباتی منابع درآمدی، تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی، حاشیه‌نشینی و مسائل شهری اشاره نمود (جوان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹). بر این اساس بسیاری از

نظریه‌پردازان توسعه در راستای کاهش اثرات منفی چنین ساختاری و در چارچوب الگوی توسعه پایدار، رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستا را پیشنهاد نموده‌اند و در همین راستا و در قالب چنین الگویی، بانک جهانی نیز بر اهمیت فعالیت‌های اقتصادی غیرزراعی و چندبخشی برای فقرزدایی از مناطق روستایی تاکید کرده است. بر پایه این دیدگاه، لازمه توسعه پایدار روستایی و پایدارسازی اقتصاد روستایی، وجود تنوع در فعالیت‌های اقتصادی قلمداد شده که رعایت آن ثبات و پایداری ساختارهای اقتصادی را تسهیل خواهد نمود (بانک جهانی، ۱۳۸۴: ۸۷).

اگرچه صنعتی‌شدن و صنایع روستایی همواره از دیرباز مطرح‌ترین گزینه اقتصادی برای ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمد بعد از فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی بوده است، اما اقتصاد روستایی در کلیت خود نیازمند فراهم آوردن شرایطی برای بهره‌گیری از همه عوامل تولید موجود و بالقوه مناطق روستایی است، به گونه‌ای که امکان انجام همه نوع فعالیت‌های اقتصادی را برای رسیدن به توسعه در محیط روستا امکان‌پذیر نماید (امینی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). در این زمینه نیز بخش کشاورزی علی‌رغم نارسایی‌ها و محدودیت‌های ساختاری، چنانچه در شکل (فاصله گرفتن از شیوه‌های سنتی کم‌بازده و با بهره‌وری پایین کشت و تولید) و محتوا (روی آوردن به فعالیت‌های جدیدتر و جانبی‌تر و الگوهای متنوع‌تر کشت با توجه به تفاوت در توانمندی‌های محیطی) متحول شده و به سمت مدرنیزه شدن بیش‌تر سوق داده شود، همچنان از پتانسیل‌های زیادی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های توسعه روستایی برخوردار است. با توجه به محدودیت زمین و آب به عنوان منابع پایه کشاورزی، هیچ جامعه‌ای قادر به تولید مقادیر زیادی از همه محصولات نمی‌باشد، بنابراین راهکار منطقی برای تداوم و توسعه کشاورزی تخصصی شدن و تولید محصولاتی بیش‌تر از نیازهای محلی و برای عرضه در بازار است. به این ترتیب کشاورزی نیز می‌تواند از طریق برخی اشکال و فعالیت‌های جانبی در ایجاد اشتغال‌های غیرزراعی برای فقرای روستایی و همچنین پیامد آن برقراری و گسترش پیوند با صنعت نقش به‌سزایی در جوامع روستایی



داشته باشد. گسترش جنبه‌هایی از کشاورزی و فعالیت‌های زراعی که پیوند بیش‌تر و نزدیک‌تری با صنعت و فرآوری‌های صنعتی پس از تولید داشته باشند، علاوه بر تقویت بنیان‌های اقتصادی باعث می‌شود تا از این طریق توسعه روستایی یک تحول صنعتی را نیز در روستا پذیرا شده و با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های تولیدی و سایر معیارهای اقتصادی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای نیز بر تحولات اجتماعی-اقتصادی مناطق روستایی داشته باشد.

متنوع‌سازی کشاورزی به‌گونه‌های مختلفی امکان‌پذیر و تعبیرشدنی است. از جمله ضروری‌ترین و ابتدایی‌ترین اشکال آن در بخش زراعت و تغییر نوع محصولات زراعی است که در ابعاد وسیع مستلزم انتقال از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری است. معرفی، کشت و پرورش محصول یا مجموعه‌ای از محصولات جدید نیز، خواه بر اثر تسهیلات تکنولوژیکی جدید یا ظهور الگوهای جدیدتر صرف و تقاضا برای آن‌ها، هم‌چنین مستلزم نوعی دیگر از تنوع‌بخشی به فعالیت‌های کشاورزی است. مرحله پیشرفته این نوع از تغییر و تنوع هنگامی بوقوع می‌پیوندد که سطح زیرکشت و ارزش نهایی محصولاتی مانند میوه‌جات، سبزی‌جات و گل افزایش معنی‌داری در ترکیب و الگوی کشت پیدا کند. شکل دیگری از متنوع‌سازی کشاورزی، تغییر و انتقال از بهره‌برداری‌های زراعی به فعالیت‌های کشاورزی دیگر همچون دام‌پروری، جنگل‌داری، آبی‌پروری، زنبورداری و غیره است. با شکل گرفتن و رشد چنین انتقال‌ها و تغییراتی، ارتباط‌های پسینی بین کشاورزی و صنعت^۵ گسترش و تقویت یافته و به این ترتیب صنعتی‌شدن کشاورزی^۶ لازمه طبیعی فرایند رشد خواهد بود.

در این میان آن دسته از فعالیت‌های زراعی که علاوه بر متنوع ساختن اقتصادهای روستایی متکی بر کشت واحد، بتوانند به‌گونه‌ای زمینه و بستر مشارکت همه اقشار روستایی را فراهم نمایند، مسلماً شانس موفقیت و تداوم بیش‌تر و در نتیجه از اولویت بیش‌تری نیز برخوردارند. کشاورزان و خانوارهای ضعیف و کم‌زمین و زنان روستایی همواره از مهم‌ترین

5- agro-business

6- agro-industrialization

این اقشار و گروه‌های هدف در چنین برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی محسوب می‌شوند. به این ترتیب می‌توان امیدوار بود که علاوه بر کاهش مخاطرات در اثر تنوع در فعالیت‌های اقتصادی و محصولات کشاورزی، در نهایت برون‌داد نظام اجتماعی نیز به شکل عادلانه‌تری بین اجزای حیاتی آن تقسیم شود (مایسر، ۱۳۸۲: ۲۰). به طور کلی مشارکت اقشار مختلف جامعه روستایی و گسترش فعالیت‌های مشترک جزء ابزارهای ایجاد تنوع است و باعث ثبات و پایداری جامعه می‌شود (اولسون و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۸) و جلب مشارکت روستاییان آسیب‌پذیر علاوه بر توسعه اقتصادی، همراه با عدالت اجتماعی و استفاده از دانش بومی اعتماد به نفس را نیز در میان آنان ارتقاء خواهد بخشید (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

پرورش گل از جمله فعالیت‌های کشاورزی است که به لحاظ نیازهای فیزیولوژیک با گستره وسیعی از شرایط محیطی دارای سازگاری است و به لحاظ نیازمندی به منابع پایه نیز چندان محصول پرتوقعی نیست. گذشته از این، علاوه بر فعالیت‌های جانبی اشتغال‌زا و سودآوری که با این فعالیت زراعی مرتبط است، امکان پرداختن به آن در مقیاس‌های متنوع می‌تواند مشارکت اقشار ضعیف‌تر و کشاورزان کم‌زمین‌تر را نیز در پی داشته باشد. از این مهم‌تر ساختار این فعالیت به لحاظ نیازمندی به نیروی کار نیز به گونه‌ای است که می‌تواند امکان ایجاد اشتغال برای زنان روستایی را به عنوان قشر عظیم و تأثیرگذاری در جوامع روستایی فراهم نماید و توانمندی بالقوه آنان را در تأمین بخشی از درآمد خانوار به فعلیت برساند. مشارکت زنان در تمامی زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار روستایی بوده و ضرورتی بنیادین دارد. این قشر جامعه روستایی با وجود موقعیت نامناسب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و کم‌توجهی دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان مسائل توسعه روستایی در طی ادوار متوالی، که البته یکی از مهم‌ترین دلایل آن عدم آگاهی برنامه‌ریزان از توانمندی این قشر و نقش مؤثر آنان در امور اقتصادی خانوارهای روستایی است، همچنان از نقش و جایگاه قابل توجهی در اداره و پیشبرد امور هم در سطح خانوار و هم در سطح جامعه روستایی برخوردار هستند. در ادامه



نوشتار به مواردی از مطالعات مشابهی که در رابطه با تأثیر برخی از فعالیت‌های زراعی در اقتصادهای روستایی صورت گرفته است، اشاره خواهیم داشت.

پیشینه تحقیق

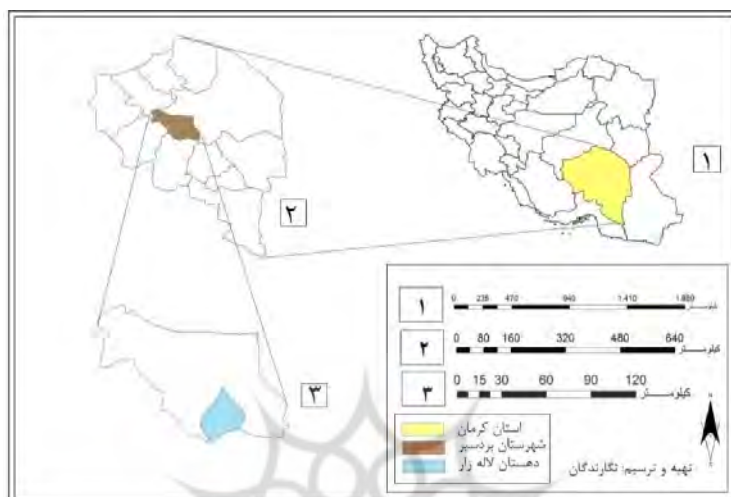
چشمی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی نقش فلفل‌کاری در اقتصاد روستایی بخش داورزن سبزوار پرداخته و علاوه بر نشان دادن مزیت نسبی کشت فلفل در منطقه، لزوم جایگزینی آن با محصولات کم‌بازده‌تر را خاطر نشان ساخته و نتیجه می‌گیرد که گسترش فعالیت‌های جانبی مرتبط با کشت این محصول می‌تواند در ایجاد اشتغال بیشتر و افزایش درآمد و در نتیجه بهبود کلیت اقتصاد روستایی منطقه مفید باشد. دریاباری (۱۳۸۵) در پژوهشی پیرامون اثرات اقتصادی پرورش گل‌های زینتی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان آمل، چنین نتیجه‌گیری کرده است که پرورش گل‌های زینتی نقش موثری در توسعه روستایی از طریق ایجاد اشتغال و درآمد برای جمعیت عظیمی از نیروی فعال روستاها، جذب گردشگر، کاهش اختلاف درآمدهای شهری و روستایی، جذب و نگهداری جمعیت در نواحی روستایی و، توسعه صنایع تبدیلی دارد. صادقی‌زاده (۱۳۸۶) اثرات اقتصادی کشت انار در توسعه روستایی دهستان باغستان فردوس و تأثیر آن بر اقتصاد دهستان را مورد بررسی قرار داده و ضمن معرفی صنایع تبدیلی مرتبط با محصول انار و تأثیرات مثبت آن بر برنامه‌های توسعه روستایی منطقه، مشکلات موجود در این رابطه را نیز بر شمرده و در نهایت به ارائه راهکارهایی علمی برای حل آن‌ها پرداخته است. صدیقان (۱۳۸۷) نیز اثرات اقتصادی کشت انگور در توسعه روستایی دهستان قوچان عتیق را مورد بررسی قرار داده و با معرفی صنایع تبدیلی مرتبط، راهبردهایی پیشنهادی جهت توسعه کشت انگور به منظور توسعه اقتصاد روستایی منطقه ارائه داده است. فتحی (۱۳۸۷) در مطالعه خود با عنوان «توسعه اقتصاد روستایی بر محور باغداری در بخش باغبهادران لنجان» به این نتیجه رسیده است که فعالیت‌های باغداری از دیر باز نقش مهمی در اقتصاد روستایی منطقه داشته و همچنان نیز توان‌های بالایی برای گسترش فعالیت‌های باغداری در این منطقه وجود دارد. جوان و

علوی‌زاده (۱۳۸۸) با بررسی مزیت نسبی سبب درختی و جایگاه آن در اقتصاد روستایی شهرستان سمیرم به این نتیجه رسیدند که اگرچه این محصول بر اساس شاخص‌های مربوط به نرخ ایجاد اشتغال و صادرات نسبت به سایر محصولات دارای مزیت نسبی بالاتری بوده و از بهره‌دهی بیشتری در رابطه با استفاده از عوامل تولید برخوردار است، اما به دلایلی نظیر شکل‌گیری اقتصاد تک‌محصولی، محدودیت منابع آب و خاک، آسیب‌پذیری در مواجهه با شرایط نامساعد طبیعی و انسانی و مشکلات پس از تولید (به‌ویژه در زمینه بازاریابی) چالش‌های قابل‌تأملی را نیز متوجه اقتصاد کشاورزی این منطقه نموده است. Marsden و Sonnino (۲۰۰۸) در پژوهشی در مورد انگلستان به این نتیجه رسیدند که یکی از راه‌های دستیابی به توسعه روستایی، گسترش کشاورزی چندعملکردی و توسعه کشاورزی نوین به گونه‌ای است که با نیازهای بخش‌های وسیع‌تری از جامعه مطابقت داشته باشد. با این وجود دولت انگلستان در ایجاد کشاورزی چندعملکردی ناموفق بوده و با مالیات‌هایی که از کشاورزان دریافت می‌کند به ایجاد کشاورزی رقابتی کمک کرده است. ورود تکنولوژی‌های نوین به بخش کشاورزی راهکاری است که این محققان برای رسیدن به هدف فوق پیشنهاد می‌کنند. Xinshen و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی پیرامون نقش کشاورزی در توسعه آفریقا به این نتیجه رسیدند که چالش‌های جدیدی که آفریقا با آن‌ها روبه‌روست متفاوت با چالش‌های کشورهای آسیایی است و کشورهای آفریقایی از طریق انقلاب کشاورزی می‌توانند به موفقیت‌های زیادی در زمینه‌های اقتصادی دست یابند و به‌طور کلی کشاورزی را به‌عنوان بخش کلیدی در توسعه آفریقا پیشنهاد می‌کنند. Stamoulis و Anríquez (۲۰۰۷) در بحثی پیرامون توسعه روستایی و کاهش فقر، ضمن اشاره به قضاوت نادرست تاریخی درباره قرار دادن بخش کشاورزی در برابر بخش صنعت در سیاست‌های عمومی تا اواخر دهه ۱۹۸۰، به این نکته اشاره می‌کنند که در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، توسعه کشاورزی نقطه شروعی برای توسعه روستایی است.

مواد و روش‌ها

موقعیت منطقه مورد مطالعه

دهستان لاله‌زار از توابع بخش مرکزی شهرستان بردسیر با طول جغرافیایی $۲^{\circ} ۵۷'$ تا $۲۲^{\circ} ۵۶'$ و عرض جغرافیایی $۷۰^{\circ} ۲۹'$ تا $۳۸^{\circ} ۲۹'$ ، در ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شهر بردسیر قرار گرفته و یکی از مرتفع‌ترین مناطق مسکونی کشور است که در ارتفاعی بالغ بر ۲۸۶۰ متر از سطح دریا، بام استان کرمان محسوب می‌شود و دارای اقلیم معتدل کوهستانی است (موسسه گیتاشناسی، ۱۳۸۳). بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، در ۴ روستای این دهستان در حدود ۱۲۵۵ خانوار زندگی می‌کنند که در سال ۱۳۹۰ به ۱۴۹۳ خانوار افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵؛ معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان، ۱۳۹۰). این دهستان از مناطق بیابالی استان کرمان است که در فصل تابستان جمعیت آن به بیش از دو برابر می‌رسد. روستای لاله‌زار در این دهستان بیش از دو قرن قدمت دارد. بنابر روایت محلی نام روستا در ابتدا کارزار بوده که بعدها به دلیل رویش لاله‌های فراوان و سرسبزی و خرمی پیرامون آن به لاله‌زار تغییر یافته است. دهستان لاله‌زار یکی از قطب‌های کشاورزی استان کرمان محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که بیش از ۸۰۰ هکتار از اراضی این منطقه زیر کشت سیب‌زمینی قرار دارد و بیش از ۲۵۰۰ هکتار نیز اراضی زیر کشت گل محمدی دارد. این میزان پرورش و تولید گل زمینه را برای فعالیت چندین کارخانه گلاب‌گیری در این منطقه فراهم کرده است و این واحدهای صنعتی کشاورزی علاوه بر عرضه محصولات خود در بازارهای داخلی قسمت قابل توجهی از آن را شامل گلاب، اسانس، غنچه خشک و سایر عرقیجات به کشورهای اروپایی و حاشیه خلیج فارس صادر می‌نمایند. شکل ۱ موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل (۱) موقعیت جغرافیایی دهستان لاله‌زار در کشور، استان و شهرستان

جامعه آماری در این پژوهش شامل تمام خانوارهای ساکن در ۴ روستای دهستان لاله‌زار کرمان می‌باشد که بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، مجموعاً ۵۵۹۰ نفر در قالب ۱۴۹۳ خانوار روستائی را شامل می‌شود. بدلیل فراهم بودن شرایط محیطی سازگار با نیازمندی‌های طبیعی- اقلیمی و فیزیولوژیک پرورش گل، سال‌هاست در همه روستاهای این منطقه کشت و پرورش گل محمدی به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی، در سطحی کاملاً متفاوت از روستاها و دهستان‌های همجوار رواج داشته و رو به توسعه است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و با توجه به اینکه بیش از ۸۰ درصد خانوارهای منطقه، بر اساس نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی، علاوه بر اشتغال به کشاورزی به کشت و پرورش گل نیز مبادرت دارند، تعداد ۲۵۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در ادامه با در نظر گرفتن ۴ روستای دارای مزارع گل محمدی دهستان لاله‌زار به‌عنوان طبقات آماری، سهم هر روستا از نمونه آماری با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و بر اساس اصل تسهیم به نسبت مشخص شد. جدول (۱) ترکیب نهایی افراد نمونه در طبقات مختلف جامعه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول (۱) ترکیب نمونه در روستاهای منتخب

روستاها	جمعیت کل	خانوار	سهم نمونه
لاله‌زار	۲۹۴۵	۷۸۶	۱۴۱
باغبر	۱۹۹۷	۵۰۶	۷۹
جغدري	۵۳۹	۱۶۵	۲۳
سرزه	۱۱۹	۳۶	۷
کل دهستان	۵۵۹۰	۱۴۹۳	۲۵۰

داده‌های مورد نیاز پژوهش حاضر، از لحاظ نوع تحقیق و اهداف آن متشکل از دو بخش داده‌های دست اول و دست دوم بوده که به‌صورت پیمایشی و از طریق انجام عملیات میدانی جمع‌آوری شده‌اند. برای کسب داده‌های دست دوم به سازمان‌های جهاد کشاورزی و فرمانداری شهرستان بردسیر مراجعه شده و برای گردآوری داده‌های دست اول نیز که عمده اطلاعات لازم را شامل می‌شوند، پرسشنامه خانوار طراحی، اعتبارسنجی و در مصاحبه با افراد نمونه تکمیل شد و بخش دیگری از این اطلاعات نیز از طریق مصاحبه با کارشناسان ذیربط و افراد خبره محلی به‌دست آمد. قبل از شروع عملیات میدانی و تکمیل پرسشنامه‌ها، برای سنجش پایایی ابزار و هم‌چنین آگاهی از وضعیت متغیرهای اصلی تحقیق در جامعه مورد مطالعه و برآورد واریانس آن‌ها به‌منظور محاسبه حجم نمونه، اقدام به اجرای pre-test در نمونه‌ای مقدماتی به حجم ۳۸ نفر گردید. در نهایت با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و حذف گویه‌های ناهمگن، پرسشنامه نهایی با ضریب اعتباری بزرگ‌تر از ۰/۹۲ اعتبارسنجی و اصلاح شد. علاوه بر ویژگی‌های دموگرافیکی و تولیدی-زراعی پاسخگویان، متغیرهای متنوع و جامعی در رابطه ابعاد مختلف اثرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی کشت و پرورش گل محمدی در منطقه مورد مطالعه، اجزای اصلی پرسشنامه بودند که در ادامه بحث و ضمن تحلیل داده‌ها در قسمت بعد به معرفی و توصیف آماری آن‌ها خواهیم پرداخت.

یافته‌ها و بحث

توصیف آماری نمونه مورد مطالعه

توصیف ویژگی‌های دموگرافیکی نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد از مجموع ۲۵۰ نفر نمونه انتخابی ۱۷۷ نفر (۷۰/۸٪) مرد و ۷۳ نفر (۲۹/۲٪) زن بوده‌اند و میانگین سنی جامعه نمونه ۳۹ سال بوده است. در مجموع ۷۶ درصد پاسخگویان متأهل بوده‌اند و میانگین تحصیلات افراد مورد مطالعه در حد راهنمایی بوده است. جدول شماره ۲ توزیع فراوانی و توصیف آماری افراد نمونه بر حسب ویژگی‌های دموگرافیکی سن، سطح تحصیلات و میزان تأهل آن‌ها را به تفکیک روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول (۲) توزیع فراوانی و توصیف آماری ویژگی‌های دموگرافیکی نمونه به تفکیک طبقات جامعه

تحصیلات (میانگین)	تأهل (درصد)	میانگین سنی	تعداد نمونه			روستا	دهستان	شهرستان
			زن	مرد	کل			
دیپلم	۷۴	۳۸	۴۴	۹۷	۱۴۱	لاله‌زار	بردسیر	
راهنمایی	۷۲	۳۷	۲۷	۵۲	۷۹	باغابری		
ابتدایی	۹۱	۵۱	۱	۲۲	۲۳	جغدیری		
دیپلم	۷۱	۴۲	۱	۶	۷	سوزه		
راهنمایی	۷۶	۳۹	۷۳	۱۷۷	۲۵۰	مجموع		

نکته قابل توجه در نتایج فوق پایین بودن سطح تحصیلات افراد جامعه نمونه در حدی پایین‌تر از دیپلم و در حد راهنمایی است. امری که می‌تواند بسیاری از ویژگی‌ها و رفتارهای تولیدی کشاورزان را تحت تأثیر قرار بدهد. جدول شماره ۳ نیز در ادامه توصیفی از برخی ویژگی‌های تولیدی و زراعی جامعه نمونه را بیان می‌کند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با متوسط ۳/۴۳ هکتار، جامعه نمونه از ۰/۵ تا ۳۰ هکتار زمین قابل کشت داشته‌اند که از ۰/۵ تا ۱۳ هکتار آن را با متوسط ۲/۸۷ هکتار سالانه زیرکشت می‌برند و از این میان از ۰/۵ تا ۱۲ هکتار زمین‌های زیرکشت افراد نمونه با متوسط ۱/۷۸ هکتار به کشت و پرورش گل محمدی اختصاص دارد. بنابراین سالانه حدود نیمی از زمین‌های قابل کشت جامعه روستایی نمونه، به کشت گل اختصاص دارد.

جدول (۳) توصیف آماری ویژگی‌های تولیدی - زراعی پاسخگویان

متغیرها	توصیف آماری				
	حداقل	حداکثر	مجموع	میانگین	انحراف معیار
کل زمین قابل کشت (هکتار)	۰/۵	۳۰	۸۵۲	۳/۴۳	۳/۴۸
مجموع زمین زیر کشت (هکتار)	۰/۵	۱۳	۷۱۲	۲/۸۷	۲/۲۱
سطح زیر کشت گل (هکتار)	۰/۵	۱۲	۴۴۱	۱/۷۸	۱/۴۴
تولید سالانه گل (کیلوگرم)	۴۰	۲۵۰۰۰	۸۲۳۹۲۰	۳۲۲۲/۳	۳۱۴۳
عملکرد سالانه (کیلوگرم بر هکتار)	۸۰	۲۷۰۰	--	۱۷۳۱	۵۶۶/۳
سابقه افراد در پرورش گل (سال)	۲	۵	--	۳/۷	۰/۸۳

مجموع زمین‌های قابل کشت و زیر کشت گل جامعه نمونه نیز همین نتیجه را نشان می‌دهد. با توجه به این که الگوی کشت در جوامع روستایی به‌طور کلی و در میان کشاورزان کم‌زمین به‌طور خاص کم‌تر تخصصی بوده و در این‌گونه نظام‌های زراعی، که بیش‌تر نظام‌هایی دهقانی و معیشتی هستند تا تجاری، معمولاً چندین نوع محصول با توجه به اهمیت و نقشی که در معیشت خانوار دارند کشت می‌شوند، این میزان سطح زیر کشت گل در جامعه روستایی نمونه میزان بالایی بوده و حاکی از مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی درک شده این محصول از سوی جامعه است که تحلیل‌های بیش‌تر در ادامه نیز این ادعا را به وضوح تأیید می‌کنند. با توجه به مجموع تولید سالانه گل از این میزان مزارع زیر کشت، عملکرد سالانه تولید گل در جامعه نمونه به‌طور متوسط برابر با ۱۷۳۱ کیلوگرم در هکتار بوده است که در مقایسه با متوسط عملکرد کل کشور در سال ۱۳۸۵ (۱/۸۸ تن در هکتار) عملکرد قابل قبولی بوده و حاکی از وضعیت نسبتاً خوب منطقه در این زمینه است. توجه به دو مطلب دیگر نیز اهمیت این امر را بیش‌تر نشان می‌دهد؛ اولاً سابقه این فعالیت در منطقه، چنان که جدول فوق نیز نشان می‌دهد، به بیش از ۵ سال نمی‌رسد و ثانیاً این میزان تولید گل در منطقه کاملاً ارگانیک بوده و متکی به هیچ‌گونه مصرف مغذی‌های شیمیایی نیست.

تأثیرات پرورش گل محمدی در منطقه (تحلیل عاملی و تلخیص مجموعه متغیرها به سازه‌های زیربنایی)

در این بخش برای پردازش بیش‌تر اطلاعات و پی بردن به وجوه اصلی تأثیر فعالیت پرورش گل محمدی در منطقه مورد مطالعه، به کاهش حجم متغیرهایی که به نحوی بیانگر هرگونه نتیجه و تأثیر این فعالیت در منطقه هستند و تلخیص آن‌ها به تعداد کم‌تری سازه‌های زیربنایی، به تحلیل عاملی این متغیرها می‌پردازیم. در ضمن چون این متغیرها در تحلیل‌های قبلی توصیف نشده‌اند، همراه با نتایج تحلیل عاملی به توصیف آماری آن‌ها نیز به‌طور خلاصه اشاره خواهیم نمود. نخست برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای این تحلیل، با محاسبه ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرها، اقدام به اجرای آزمون کرویت بارتلت و محاسبه آماره KMO گردید. چنانچه مقدار این آماره بزرگ‌تر از $0/7$ باشد همبستگی‌های موجود بین متغیرها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. مقدار محاسبه شده این شاخص در تحلیل حاضر برابر با $0/715$ با سطح معنی‌داری $0/00$ به‌دست آمد که تناسب خوب داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. در ادامه با وارد نمودن مجموعه متغیرها به مدل، نتایج حاصل از استخراج عامل‌ها بر اساس روش تجزیه به مولفه‌های اصلی و چرخش عاملی واریماکس به شرح جدول (۴)، به کمک نرم‌افزار SPSS به‌دست آمد. لازم به اشاره است که در روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی، تعداد عامل‌های استخراجی درست به تعداد متغیرهای وارد شده به مدل است که مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس آن‌ها ترتیب نزولی دارد و از آنجایی که از اهداف اصلی این تحلیل کاهش ابعاد متغیرهاست، این مقادیر در عامل‌های انتهایی عملاً صفر یا نزدیک به صفر است. به همین دلیل معمولاً تنها آن تعداد از عامل‌های نخست که از مقادیر ویژه بزرگ‌تر از واحد برخوردارند به‌عنوان سازه‌های زیربنایی استخراج شده در نظر گرفته شده و تحلیل می‌شوند. به‌دلیل زیاد بودن متغیرهای وارد شده به مدل و برای جلوگیری از افزایش غیرمفید حجم مقاله، جدول (۴) نتایج تبیین واریانس را تنها برای عامل‌های اصلی با مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک نشان می‌دهد.

جدول (۴) عامل‌های استخراج شده، مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس آن‌ها از مجموعه متغیرهای اولیه

ردیف	مقادیر ویژه اولیه (بدون چرخش عاملی)			مجموع ضرائب فاکتور چرخیده (به روش واریماکس)		
	مقدار ویژه	% تبیین واریانس	% تجمعی	مقدار ویژه	% تبیین واریانس	% تجمعی
۱	۷/۵	۲۴/۰۷	۲۴/۰۷	۴/۳	۱۴/۰۱	۱۴/۰۱
۲	۳/۵	۱۱/۴۷	۳۵/۵۴	۳/۵	۱۱/۴۵	۲۵/۴۶
۳	۲/۸	۹/۱۲	۴۴/۶۶	۳/۳	۱۰/۶۲	۳۶/۰۸
۴	۲/۶	۸/۲۶	۵۲/۹۲	۳/۲	۱۰/۲۷	۴۶/۳۶
۵	۲/۱	۶/۹۳	۵۹/۸۶	۲/۴	۷/۷۳	۵۴/۰۸
۶	۱/۸	۵/۸۸	۶۵/۷۴	۲/۱	۶/۷	۶۰/۷۸
۷	۱/۳۹	۴/۴۶	۷۰/۱۲	۲/۱	۶/۶۹	۶۷/۴۸
۸	۱/۲	۴/۰۲	۷۴/۲۲	۱/۶	۵/۳	۷۲/۷۷
۹	۱/۱	۳/۵۶	۷۷/۷۸	۱/۵	۵	۷۷/۷۸

روش استخراج: تجزیه به مؤلفه‌های اصلی

همان‌طور که مشاهده می‌شود تجزیه حدود ۴۰ متغیر اولیه به مؤلفه‌های اصلی، به استخراج ۹ عامل با مقادیر ویژه بزرگ‌تر از واحد منجر شده که در مجموع نزدیک به ۷۸ درصد واریانس مجموعه متغیرها را، که میزان بالا و قابل قبولی محسوب می‌شود، تبیین می‌کنند. علاوه بر ساختار واضح‌تر عامل‌های چرخیده (با توجه به نتایج جدول شماره ۵)، تبیین واریانس‌ها نیز نشان می‌دهد که فاصله زیاد عامل نخست با بقیه عامل‌ها در اثر چرخش بسیار کم‌تر شده و عامل‌های استخراجی ترکیب منطقی‌تری یافته‌اند، به گونه‌ای که آخرین عامل استخراجی نیز در اثر چرخش از اهمیت بیش‌تری در مقایسه با وضعیت اولیه بدون چرخش برخوردار شده است. ادامه تحلیل ساختار عامل‌های استخراجی را با توجه به همبستگی‌هایی که بین آن‌ها و متغیرهای اولیه وجود دارد، مشخص می‌سازد. این ضرایب همبستگی در واقع نحوه بارگیری عامل‌ها از متغیرها را نشان می‌دهند و از همین رو بارهای عاملی نیز نامیده می‌شوند.

جدول (۵) ماتریس بارهای عاملی چرخیده برای ۹ عامل استخراجی را نشان می‌دهد. در اینجا نیز لازم است اشاره کنیم که اگرچه هر عاملی یک ترکیب خطی از تمامی متغیرهای

وارد شده به مدل است و از این رو ضرایب بارهای عاملی بین تمامی متغیرها و عامل‌ها محاسبه و گزارش می‌شوند، به‌منظور نشان دادن واضح‌تر ساختار عامل‌ها و در نتیجه سهولت نامگذاری آن‌ها، تنها ضرایب بزرگ‌تر از ۰/۵ در این جدول گزارش شده‌اند و در همین راستا متغیرها نیز نه به‌ترتیب ورود به مدل بلکه بزرگی ضرایب‌شان با عامل‌ها مرتب شده‌اند. نامگذاری عامل‌ها نیز در همین جدول و در کنار ضرایب بارهای عاملی صورت گرفته است. علاوه بر بارهای عاملی و نامگذاری عامل‌ها، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، میانگین متغیرهای اولیه ورودی به مدل نیز برای امکان بررسی و مطالعه بیشتر آن‌ها به این جدول افزوده شده است. علاوه بر این موارد، پرسشنامه شامل متغیرهای دیگری نیز بوده که وارد این تحلیل نیز شدند ولی به‌دلیل آنکه ضریب بارگیری هیچ‌کدام از ۹ عامل در نظر گرفته شده از آن‌ها از مقدار معیار ۰/۵ بیش‌تر نبوده، در این جدول به آن‌ها اشاره نشده است.

جدول (۵) بارگیری عامل‌ها از متغیرها (ماتریس عوامل چرخیده) و نام‌گذاری آن‌ها همراه با توصیف متغیرهای اولیه

عامل‌ها				میانگین	متغیرها (شاخص‌های اولیه)	
۴	۳	۲	۱			
			کشاورزی و رعایت اصول کشاورزی پایدار	۰/۸۷	۳/۹۵	آشنایی با اصول کشاورزی پایدار
				۰/۸۵	۴/۰۶	میزان رعایت اصول پایداری
				۰/۸۳	۳/۸۷	مفید دانستن رعایت اصول پایداری و کشت ارگانیک برای دوام فعالیت‌های زراعی
				۰/۶۸	۴/۰۴	سودمند دانستن رعایت اصول پایداری
				۰/۷	۳/۶۶	مصرف کودهای آلی به‌جای کودهای شیمیایی
				۰/۷۴	۴/۱	نقش زنان در همه مراحل پرورش گل
		ارتقاء منزلت و جایگاه اجتماعی اقتصادی زنان	۰/۷۶	۴/۳	میزان همکاری زنان و دختران روستا در کمک به اقتصاد خانواده	
			۰/۷۳	۴/۲۵	حضور زنان در فعالیت پرورش گل	
			۰/۸۴	۴/۳۱	مشارکت زنان در برداشت و جمع‌آوری گل	
			۰/۷۹	۴/۲۳	میزان همکاری زنان در پرورش و جمع‌آوری گل نسبت به سایر محصولات	
	بهبود رضایت و امنیت شغلی	۰/۸۳		۳/۵۱	تغییر در سبک زندگی	
		۰/۸۲		۳/۵۵	امیدواری به آینده شغلی پرورش گل	

							۳/۷۰	بهبود وضع زندگی
							۳/۸۸	رضایت شغلی از پرورش گل
همکاری‌های جمعی							۴/۱۷	نیازمندی پرورش گل به مشارکت جمعی
	۰/۸۸						۴/۰۶	دریافت کمک از دیگران
	۰/۸۷						۴/۱۰	کمک کردن به دیگران

ادامه جدول (۵) با رگیری عامل‌ها از متغیرها و نام‌گذاری آن‌ها همراه با توصیف متغیرهای اولیه

		عامل‌ها					میانگین	متغیرها (شاخص‌های اولیه)
۹	۸	۷	۶	۵				
						۰/۸۴	۳/۹۸	تأثیر درآمد و اشتغال حاصل از پرورش گل در کاهش مهاجرت‌های روستایی
						۰/۸	۳/۹۳	افزایش انگیزه ماندگاری برای جوانان
						۰/۶۸	۴/۰۱	ایجاد اشتغال و زمینه ماندگاری خانواده‌ها
					۰/۷۸		۳/۳۷	فراهم شدن زمینه اشتغال در کارگاه‌های گلاب‌گیری
					۰/۷۶		۳/۵	فراهم کردن زمینه فعالیت‌های جانبی برای زنان
					۰/۵۵		۳/۸۵	فراهم شدن زمینه اشتغال برای اعضای خانوار
					۰/۹۶		۲/۲۸	مبادرت به زنبورداری در کنار پرورش گل
					۰/۹۴		۲/۴۴	صرفه اقتصادی داشتن زنبورداری
							۳/۷۱	میزان افزایش سطح زیرکشت گل تابحال
							۳/۶۴	تمایل به افزایش سطح زیرکشت گل در آینده
							۴/۰۱	ترجیح کشت و پرورش گل به دیگر محصولات زراعی به لحاظ سودآوری
							۴/۰۹	درآمد بیش‌تر پرورش گل نسبت به محصولات دیگر

بر اساس محتوای ماتریس عوامل چرخیده که نحوه بارگیری عامل‌های استخراجی از متغیرهای ورودی و نقش هر یک از این متغیرها را در شکل‌گیری عامل‌ها نشان می‌دهد، شرح مختصر عامل‌ها را که در واقع همان تأثیرات کشت و پرورش گل در منطقه مورد مطالعه هستند، می‌توان چنین برشمرد:

- نخستین و مهم‌ترین عامل را با مقدار ویژه $4/34$ که به تنهایی ۱۴ درصد واریانس متغیرها را تبیین می‌کند، با توجه به بارگیری از متغیرهای آشنایی با اصول کشاورزی پایدار، میزان رعایت اصول پایداری، مفید و سودمند دانستن اصول پایداری و کشت ارگانیک و میزان مصرف کودهای آلی به‌جای کودهای شیمیایی، می‌توان «آشنایی با اصول کشاورزی پایدار و رعایت آن» نام‌گذاری کرد. به این ترتیب بیش‌ترین تأثیر کشت و پرورش گل در منطقه تأثیری محیطی بوده است.

- عامل دوم با مقدار ویژه $3/55$ و $11/45$ درصد تبیین واریانس، با بارگیری از متغیرهای مربوط به نقش و همکاری قابل توجه زنان روستایی در همه مراحل پرورش تا برداشت و جمع‌آوری گل، تأثیر اجتماعی این فعالیت را در «ارتقاء منزلت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی» در منطقه نشان می‌دهد.

- عامل سوم نیز با مقدار ویژه $3/29$ و $10/61$ درصد تبیین واریانس، با توجه به بارگیری از متغیرهای تغییر در سبک زندگی، امیدواری به آینده شغلی پرورش گل، بهبود وضع زندگی و رضایت شغلی از پرورش گل، تأثیر اجتماعی دیگری را در زمینه «بهبود رضایت و امنیت شغلی» نشان می‌دهد.

- به‌عنوان تأثیر اجتماعی دیگری با مقدار ویژه $3/18$ و $10/27$ درصد تبیین واریانس، عامل چهارم نیز با توجه به همبستگی بالا با متغیرهای نیازمندی پرورش گل به مشارکت جمعی، دریافت کمک از دیگران و کمک کردن به دیگران، حاکی از «تقویت همکاری‌های جمعی» در منطقه در نتیجه گسترش مبادرت به تولید گل است.

- با بارگیری از متغیرهای تاثیر درآمد و اشتغال حاصل از پرورش گل در کاهش مهاجرت‌های روستایی، افزایش انگیزه ماندگاری برای جوانان و ایجاد اشتغال و زمینه ماندگاری برای خانواده‌ها، عامل پنجم نیز با مقدار ویژه $2/39$ و $7/72$ درصد تبیین واریانس، تأثیر اجتماعی این فعالیت را در «ایجاد اشتغال و تقویت انگیزه ماندگاری» نشان می‌دهد. چهار عامل آخر نیز بیانگر تأثیرات اقتصادی پرورش گل در منطقه هستند.

- عامل ششم با مقدار ویژه $2/07$ و $6/69$ درصد تبیین واریانس، تأثیر اقتصادی «فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و درآمدی جانبی» پرورش گل را از طریق همبستگی بالا با متغیرهای فراهم شدن زمینه اشتغال در کارگاه‌های گلاب‌گیری، فراهم کردن زمینه فعالیت‌های جانبی برای زنان و فراهم آوردن زمینه‌های دیگر اشتغال برای اعضای خانوار، بیان می‌کند.

- عامل هفتم با مقدار ویژه $2/06$ و $6/68$ درصد تبیین واریانس، حاکی از تأثیر اقتصادی دیگری با بارگیری از متغیرهای مبادرت به زنبورداری در کنار پرورش گل و صرفه اقتصادی داشتن زنبورداری است که می‌توان از آن با عنوان «فراهم شدن امکان پرورش زنبور و تولید عسل در منطقه» نام برد.

- عامل هشتم نیز با مقدار ویژه $1/64$ و $5/29$ درصد تبیین واریانس که از دو متغیر میزان افزایش سطح زیرکشت گل تا به حال و تمایل به افزایش سطح زیرکشت گل در آینده بارگیری نموده است، تأثیر اقتصادی «افزایش سطح زیرکشت» را نشان می‌دهد.

- نهایتاً عامل نهم نیز «مزیت اقتصادی نسبی» کشت گل در منطقه را از طریق همبستگی بالا با متغیرهای ترجیح کشت و پرورش گل به دیگر محصولات زراعی به لحاظ سودآوری و درآمد بیش‌تر پرورش گل نسبت به محصولات دیگر، با مقدار ویژه $1/55$ و 5 درصد تبیین واریانس مجموعه متغیرها بیان می‌کند.

به این ترتیب مهم‌ترین تأثیر کشت و پرورش گل سوق دادن سیستم کشاورزی منطقه به سمت اصول پایداری بوده است که تأثیری محیطی تلقی می‌شود، بعد از آن تأثیرات

اجتماعی و از همه مهم‌تر تأثیری بوده که بر وضعیت زنان روستایی داشته است و دست آخر نیز برخی از حوزه‌های اقتصادی تحت تأثیر این فعالیت قرار گرفته است. با این وجود شدت تأثیرات اجتماعی خیلی بیش‌تر از تأثیرات دیگر بوده است، به‌گونه‌ای که علاوه بر مجموع تبیین واریانس عامل‌های مربوط به هرکدام از این تأثیرات، متوسط میانگین متغیرهای مربوطه نیز این امر را تأیید می‌نماید. جدول شماره ۶ بار دیگر خلاصه عامل‌های استخراجی و بر اساس آن‌ها چگونگی و میزان تأثیرات مثبتی که کشت و پرورش گل در عرصه‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی بر منطقه مورد داشته را به تصویر می‌کشد.

جدول (۶) عامل‌های استخراجی و مجموعه تأثیرات مختلف کشت گل در منطقه لاله‌زار کرمان

نوع تأثیر	ترتیب عامل	نام عامل	مقدار		میانگین متغیرهای اصلی
			ویژه	درصد	
محیطی	۱	آشنایی با اصول کشاورزی پایدار و رعایت آن	۴/۳	۱۴	۳/۹۲
	۲	ارتقاء منزلت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان	۳/۵	۱۱/۴	۳/۹۹
تأثیرات اجتماعی	۳	بهبود رضایت و امنیت شغلی	۳/۳	۱۰/۶	
	۴	تقویت همکاری‌های جمعی	۳/۲	۱۰/۳	
	۵	ایجاد اشتغال و تقویت انگیزه ماندگاری در منطقه	۲/۴	۷/۷	
تأثیرات اقتصادی	۶	ایجاد و گسترش فرصت‌های شغلی و درآمدی جانبی	۲/۱	۶/۷	۳/۴۳
	۷	فراهم شدن امکان پرورش زنبور و تولید عسل	۲/۱	۶/۷	
	۸	افزایش سطح زیرکشت گل	۱/۶	۵/۳	
	۹	مزیت اقتصادی نسبی	۱/۵	۵	

علاوه بر مقایسه کلی سطور قبل پیرامون این سه دسته تأثیرات، میانگین متغیرها در جدول (۶) نیز نشان می‌دهد که بیش‌ترین میانگین مربوط به متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل اجتماعی «ارتقاء جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی» (با میانگین‌های بالای ۴) و کم‌ترین آن نیز مربوط به متغیرهای عامل اقتصادی «فراهم شدن امکان پرورش زنبور و تولید عسل» در منطقه (با میانگین‌های کم‌تر از ۲/۵) می‌باشد.

آخرین تحلیل در این قسمت به بررسی رابطه بین عامل‌های استخراجی و متغیرهای زمینه‌ای (ویژگی‌های دموگرافیکی و ویژگی‌های تولیدی - زراعی کشاورزان) پرداخته است.

به‌طور خلاصه نتایج این تحلیل نشان داد که بین هیچ‌کدام از ویژگی‌های دموگرافیکی و عامل‌های فوق همبستگی و رابطه معنی‌داری وجود ندارد ولی بین برخی از این عامل‌ها با ویژگی‌های تولیدی - زراعی همبستگی‌های معنی‌داری به شرح جدول (۷) وجود دارد.

جدول (۷) همبستگی عامل‌های استخراجی با متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای				عامل‌ها	
سابقه پرورش گل در منطقه	سابقه افراد در پرورش گل	تولید سالانه	سطح زیرکشت		
-	۰/۲۳**	-	-	همبستگی پیرسون	آشنایی با اصول کشاورزی پایدار و رعایت آن
-	۰/۰۰	-	-	سطح معنی‌داری	
۰/۲۲**	-	-	-	همبستگی پیرسون	ارتقاء منزلت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی
۰/۰۰۱	-	-	-	سطح معنی‌داری	
۰/۴۸	-	۰/۴۱**	۰/۴۲**	همبستگی پیرسون	فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و درآمدی جانبی
۰/۰۴	-	۰/۰۰	۰/۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۲۵**	-	-	-	همبستگی پیرسون	فراهم شدن امکان پرورش زنبور و تولید عسل در منطقه
۰/۰۰	-	-	-	سطح معنی‌داری	
-	۰/۲۹**	۰/۳۲**	۰/۳۶**	همبستگی پیرسون	مزیت اقتصادی نسبی
-	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	سطح معنی‌داری	

(** معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد)

بر اساس این نتایج، بیش‌ترین رابطه بین عامل‌های اقتصادی با ویژگی‌های تولیدی - زراعی برقرار بوده و به‌علاوه عامل محیطی «آشنایی با اصول کشاورزی پایدار و رعایت آن» و عامل اجتماعی «ارتقاء جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان» نیز به‌عنوان مهم‌ترین دو عامل نخست با سابقه پرورش گل در منطقه رابطه متوسط و مثبت داشته‌اند. به‌عبارتی هرچه سابقه افراد در پرورش گل بیش‌تر بوده با اصول پایداری آشنایی بیش‌تری پیدا کرده و بیش‌تر نیز آن را رعایت می‌کرده‌اند. هم‌چنین با سابقه بیش‌تر این فعالیت در منطقه، حضور و نقش زنان در آن و پیامد آن بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این قشر تأثیرگذار جامعه روستایی نیز بیش‌تر شده است.

نتیجه‌گیری

شرایط و اقتضائات جغرافیایی در کشور ما همراه با بافت تاریخی و فرهنگی جوامع روستایی همواره به‌گونه‌ای بوده است که کشاورزی نه تنها فعالیت غالب اقتصادی و تأمین معیشت جوامع روستایی طی قرن‌های متمادی به‌شمار می‌آمده، بلکه هم‌چنین تعیین‌کننده و قوام‌بخش حیات و مناسبات اجتماعی مردمان بسیاری نیز در طول تاریخ این سرزمین بوده است. با وجود همه تحولات و تلاطم‌هایی که در دوران معاصر با پیشرفت‌های تکنولوژیک و در نتیجه آن چرخش پارادایم‌های توسعه به سمت الگوهای صنعتی و سازوکارهای شهری متوجه این بخش بوده است، همچنان حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها و هرگونه برنامه‌ریزی در رابطه با توسعه آن‌ها، از سویی متأثر از فعالیت‌های کشاورزی و از سوی دیگر نیازمند بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در این بخش خواهد بود. بنابراین نباید فراموش کرد که از دیدگاه جامعه‌شناسی کشاورزی، ایجاد اشتغال و درآمد نسبتاً پایدار برای جوامع کوچک و روستاییان فقیر، نه تنها از مؤلفه‌های مهم هرگونه برنامه‌ریزی توسعه روستایی است، بلکه در کنار هدف کلان تأمین امنیت غذایی جامعه، همواره از جمله اهداف اساسی الگوها و برنامه‌های توسعه کشاورزی نیز محسوب می‌شود. آنچه در این میان دارای اهمیت و درخور توجه است، لزوم تحول و ایجاد نوآوری در مناسبات درونی این بخش متناسب با اقتضائات و ظرفیت‌های متفاوت منطقه‌ای، بویژه در مقیاس‌های کوچک است. از جمله جنبه‌های نوآورانه، تغییر و تنوع در الگوهای سنتی کشت و تخصیص منابع پایه و محدود آب و زمین به کشت‌های جدید در هماهنگی با شرایط محیطی و نیازهای اجتماعی جوامع کوچک روستایی به‌گونه‌ای است که بهره‌وری اجتماعی و اقتصادی بیشتری را برای آن‌ها به‌همراه داشته باشد. در همین راستا هرگونه فعالیتی که علاوه بر موارد پیش‌گفته بتواند مشارکت زنان روستایی را نیز، به‌عنوان قشری عظیم، تأثیرگذار و البته نسبتاً فراموش شده در برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی جلب نماید، مسلماً امکان و شانس بیشتری برای حصول به اهداف اجتماعی و اقتصادی کشاورزی خواهد داشت.

نتایج پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تأثیر کشت و پرورش گل محمدی، به عنوان فعالیتی نسبتاً جدید در جامعه روستایی دهستان لاله‌زار بردسیر در استان کرمان، نشان داد که این فعالیت در همه‌جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأثیر قابل توجهی بر جامعه مورد مطالعه داشته است. به لحاظ اجتماعی با درگیر نمودن زنان در همه مراحل داشت و برداشت و مشارکت بالا و رضایت‌مندانۀ آنان، نقش پررنگ و مؤثری در بهبود و ارتقای منزلت و جایگاه اجتماعی این قشر از جامعه داشته و تا اندازه زیادی توانسته است توانایی و پتانسیل آنان را در کمک به اقتصاد خانوار به فعلیت برساند. همچنین بر اساس تحلیل نگرش افراد، در کاهش مهاجرت‌ها و تقویت انگیزه ماندگاری خانواده‌ها نیز مؤثر بوده است. از نظر اقتصادی نیز علاوه بر عملکرد قابل قبول و کمک به بهبود معیشت، شکل‌گیری برخی فعالیت‌های جانبی مرتبط با این حرفه نیز توانسته فرصت‌های اشتغال قابل توجهی را در منطقه ایجاد نماید. با این حال بیش‌ترین تأثیر این فعالیت در بعد محیطی بوده است که به یمن وجود شرکت گلاب زهرا با رعایت استانداردهای تولید عرقی‌جات و اسانس‌های مبتنی بر محصول کاملاً ارگانیک، علاوه بر اینکه باعث شده است تولید گل این منطقه با روش‌های ارگانیک صورت بگیرد، با توجه به تغییر در نگرش افراد می‌تواند نویدبخش سوق دادن نسبی و تدریجی نظام کشاورزی منطقه به سمت پایداری و الگوهای کشاورزی پایدار در آینده باشد.

منابع

- امینی، ع. (۱۳۹۲)، «ارزیابی و تحلیل مکان‌گزینی نواحی صنعتی روستایی (مطالعه موردی: استان مرکزی)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵ (۲): ۱۵۶-۱۳۹.
- اولسون، آر، چارلز، اف. و استفان، ک. (۱۳۸۷)، «نقش تنوع در کشاورزی پایدار»، (مترجمان: علیرضا کوچکی و سمانه نجیب‌نیا)، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- باران، پی. (۱۳۵۹)، «اقتصاد سیاسی رشد»، ترجمه: کاوه آزادمنش، انتشارات خوارزمی، تهران.
- بانک جهانی (۱۳۸۴)، «راهبرد توسعه روستایی؛ رویکرد نوین بانک جهانی»، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- جوان، ج. و علوی‌زاده، ا. (۱۳۸۸)، «متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی رویکردی در توسعه پایدار»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، کرمانشاه.
- جوان، ج. و علوی‌زاده، ا. و کرمانی، م. (۱۳۹۰)، نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی شهرستان سمیرم، فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، ۲۹: ۴۲-۱۷.
- چشمی، ع. (۱۳۸۵)، «بررسی نقش اقتصادی محصول فلفل در اقتصاد روستایی بخش داورزن سبزوار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خاتون‌آبادی، ا. (۱۳۸۴)، «جنبه‌هایی از توسعه پایدار (از اندیشه تا کنش)»، جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان.
- درباباری، ج. (۱۳۸۷)، «اثرات اقتصادی پرورش گل در نواحی روستایی، نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان آمل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- دوکاسترو، خ. (۱۳۸۵)، «ژئوپولیتیک گرسنگی»، ترجمه: م. جازانی، انتشارات خوارزمی، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان (۱۳۸۷)، آمارنامه استان کرمان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان (۱۳۹۰)، آمارنامه استان کرمان.

- صادقی‌زاده، ن. (۱۳۸۶)، «اثرات اقتصادی کشت انار در توسعه روستایی دهستان باغستان فردوس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
- صامتی، م. و فرامرزی‌پور، ب. (۱۳۸۳)، «بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۲ (۴۵): ۹۱-۱۱۲.
- صدیقان، ص. (۱۳۸۷)، «اثرات اقتصادی کشت انگور در توسعه روستایی دهستان قوچان عتیق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
- طالب، م.، ابراهیم‌پور، م. و سلمان‌وندی، ش. (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل انسانی و تکنیکی مؤثر بر عمقی‌شدن کشت در نظام بهره‌برداری خانوادگی (مطالعه موردی: بهره‌برداران خانوادگی صیفی‌کار شهرستان کرمانشاه)». *پژوهش‌های روستایی*، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۴۷.
- عزیززی، پ.، لطفی، ح. و پیشرو، ح. (۱۳۸۸)، «فناوری اطلاعات و ارتباطات و تاثیر آن بر اقتصاد روستایی ایران»، *فصلنامه جغرافیایی آمایش*، ۶: ۶۳-۳۴.
- فتحی، ع. (۱۳۸۷)، «توسعه اقتصاد روستایی بر محور باغداری در بخش باغ بهادران شهرستان لنجان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان.
- کامران، ف. (۱۳۷۴)، «توسعه و برنامه‌ریزی روستایی»، انتشارات آوای نور، تهران.
- مایسر، اچ. (۱۳۸۲)، «جایگاه تنوع اکولوژیکی در توسعه پایدار» (مترجمان: علیرضا کوچکی و عبدالمجید مهدوی دامغانی). انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن (شهرستان بردسیر)».
- مؤسسه گیتاشناسی (۱۳۸۳)، «اطلس استان‌های ایران»، جلد ۵، استان کرمان.
- نوری، ه. و امینی، ع. (۱۳۸۶)، «سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی استان اصفهان)»، *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۳۸ (۲): ۲۶۳-۲۷۵.

- Ali, M. and Abedullah, S. (2002), "Economic and nutritional benefits from enhanced vegetable production and consumption in developing countries", *Journal of Crop Production* 6 (1(2)): 145-176.
- Berdegue, J.A., Ramirez, E., Reardon, T. and Escobar, G. (2001), "Rural nonfarm employment and incomes in Chile", *World Development* 29 (3): 411-425.
- Chadha, G.K., (2011), "*Agricultural diversification and rural industrialization: some policy issues from Indian experience*", JNU, New Delhi.
- Hazell, P.B.R. and Haggblade, S. (1991), "Rural-urban growth linkages in India", *Indian Journal of Agricultural Economics*, 46 (4).
- Joshi, P.K., A. Gulati, P.S. BIRTHAL and L. Tewari. (2002), "Agriculture diversification in South Asia: patterns, determinants, and Policy implications", RGoB, MoA-NCAP-IFPRI workshop on "*Agricultural Diversification in South Asia*". Paro, Bhutan.
- Marsden, T. and Sonnino, R. (2008), "Rural development and the regional state: Denying multifunctional agriculture in the UK", *Journal of Rural Studies* 24 (4): 422-431.
- Stamoulis, K., Anriquez, G. (2007), "Rural Development and Poverty Reduction: Is agriculture still the key?", *The Food and Agriculture Organization of the United Nations*: 1-42.
- Tobgay, S., (2005), "Agriculture diversification in Bhutan", Ministry of Agriculture, Bhutan.
- Von Braun, J. (1995), "Agricultural commercialization: impacts on income and nutrition and implications for policy".
- Xinshen, D., Hazell, P. and Thurlow, J. (2009), "The role of agriculture in African development", *International Food Policy Research Institute*, Washington DC, USA.
- www.zahrrosewater.com.